

دلالت‌های مدیریتی «استقامت» در قرآن؛ با رویکردی تفسیری و کاربردی

رضا قاسمی نژاد^۱

چکیده

استقامت در مواجهه با بحران‌ها، یکی از محورهای بنیادین قرآن کریم در جهت صیانت از انسجام اجتماعی و بقای نظام‌های هدایتی است. هدف از این پژوهش، تبیین دلالت‌های مدیریتی مفهوم «استقامت» در قرآن با رویکردی تفسیری و کاربردی است تا امکان استخراج یک الگوی عملیاتی برای وضعیت بحرانی در جوامع معاصر فراهم گردد. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش این است که دلالت‌های مدیریتی استقامت در آیات قرآن چگونه تعریف می‌شوند و چه لایه‌هایی در عبور مقتدرانه از شرایط بحرانی نقش دارند؟ این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و از طریق استقراء آیات مرتبط با استقامت و تاب‌آوری، به تحلیل ساختاری مفاهیم پرداخته است. برداشت تحلیلی و تفسیری از یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دلالت‌های مدیریتی استقامت در قرآن بر سه رکن و لایه کلیدی استوار است: نخست، «ثبات شناختی» که با تکیه بر توحید ربوبی، اضطراب‌های جمعی (خوف و حزن) را در سطح مدیریتی و توده‌ها مهار نموده و مانع از فروپاشی روانی می‌شود. دوم، «مدیریت عملکرد و رفتار» که بر لزوم پایداری دقیق به اهداف راهبردی و پرهیز از تندروی‌های هیجانی در اوج بحران تأکید دارد تا نظم عملیاتی حفظ گردد. سوم، «مدیریت معنوی» که از طریق فعال‌سازی سنت نصرت الهی، تاب‌آوری را افزایش داده و قدرتی درون‌زا برای عبور مقتدرانه از شرایط خاص فراهم می‌آورد. این الگو نشان می‌دهد که استقامت قرآنی، ترکیبی از ثبات ذهنی، انضباط رفتاری و توکل فعال است که بر تاب‌آوری جامعه تأثیر مستقیم دارد.

کلید واژه‌ها: دلالت‌های مدیریتی، استقامت، قرآن، رویکرد تفسیری، کاربردی.

۱. مقدمه

قرآن کریم به عنوان منبع اصلی هدایت، مفاهیم جامع و مهمی ارائه داده است که در تمامی ابعاد زندگی و به‌ویژه در مدیریت شرایط بحرانی، کاربردهای گسترده‌ای دارند. در این میان، مفهوم استقامت را نباید تنها به معنای تحمل سختی‌ها دانست؛ بلکه استقامت، یک رویکرد نظام‌مند برای حفظ تعادل و تداوم حرکت در مسیر اهداف متعالی است. در دنیای پیچیده و متلاطم امروز که جوامع با بحران‌های پیش‌بینی‌نشده و فشارهای محیطی متناوب دست‌وپنجه نرم

^۱ . استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. r.ghaseminejad@iaui.ac.ir

می‌کنند، بازخوانی تفسیری و کاربردی مفهوم استقامت، برای دستیابی به پایداری اجتماعی و تاب‌آوری مدیریتی ضرورتی حیاتی است؛ چرا که بحران‌ها به‌طور ذاتی پدیده‌هایی تلاطم‌زا هستند و همواره ثبات سیستم‌های اجتماعی و مدیریتی را به چالش می‌کشند.

در حالی که مدیریت مدرن عمدتاً بر تاب‌آوری‌های مادی و ابزاری متمرکز است، قرآن کریم دگرترین استقامت را به عنوان الگویی از پایداری پیش‌رونده معرفی می‌کند. استقامت در لسان وحی، یک ایستایی منفعل نیست، بلکه به معنای استواری بر ضراط مستقیم و عدم انحراف از مسیر حق در مواجهه با فشارهای گذرا و بحران‌های محیطی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۴۶). ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که الگوهای مادی در مواجهه با بحران‌های پیچیده معاصر، به دلیل غفلت از مؤلفه‌های وحیانی، کارآمدی جامع و اثرگذاری لازم را ندارند. افزون بر این، علی‌رغم غنای آیات مربوط به استقامت، تحلیل این مفاهیم غالباً در سطح اخلاق فردی باقی مانده است؛ در حالی که در شرایط بحرانی، استقامت به معنای حفظ مسیر منطقی و پرهیز از هرگونه تزلزل در برابر شداید، کلیدی‌ترین رکن پایداری کلان جامعه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۵۰). بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش این است که دلالت‌های مدیریتی آیات استقامت براساس رویکرد تفسیری و کاربردی چگونه است و چه تأثیری بر تحول در وضعیت بحرانی دارند؟

مرور نظام‌مند ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه مفهوم «استقامت» در تفاسیر نظیر تفسیر المیزان عمدتاً به عنوان فضیلتی اخلاقی تحلیل شده است، اما با توسعه مطالعات میان‌رشته‌ای، رویکردهای مدیریتی به آیات وحی ارتقا یافته است. در این راستا، کتب اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن (نقی‌پورفر، ۱۳۸۱) و مبانی فلسفی و تئوری‌های رهبری و مدیریت اسلامی (افجه‌ای، ۱۳۸۵) به تبیین چارچوب‌های کلی اداره جامعه پرداخته‌اند. همچنین در مطالعات متمرکز بر این واژه، کتاب استقامت و پایداری (یزدانی‌نیا، ۱۳۹۰) به شکلی مختصر به عوامل، آثار و انواع استقامت پرداخته و سیدرضا صدر نیز در کتاب استقامت (۱۳۷۳) به صورت کلی به آیات این حوزه اشاره کرده است، اما هر دو اثر از منظر اخلاق فردی به موضوع نگرسته‌اند. در پژوهش‌های متأخر، مقالاتی نظیر واکاوی مؤلفه‌های تاب‌آوری سازمانی با تأکید بر آموزه‌های قرآن (کاظمی، ۱۴۰۰) به قرابت‌های میان مفاهیم وحیانی با مدیریت مدرن پرداخته‌اند؛ با این حال، خلأ پژوهشی مشهود، فقدان الگویی منسجم است که «آیات استقامت» را به عنوان یک «دگرترین عملیاتی و راهبردی» در شرایط اضطرار تبیین نماید. لذا نوآوری پژوهش حاضر، انتقال از نگاه صرفاً اخلاقی به لایه کاربردی و عملیاتی «استقامت» را به عنوان متغیری کلان در کنترل تلاطم‌های بحرانی و پایداری ساختار جامعه در شرایط خاص بازتعریف نماید.

۲. بخش نظری پژوهش

۲.۱. روش پژوهش

روش پژوهش بصورت توصیفی-تحلیلی وبا مراجعه با تفاسیر مشهور و کتب مهم مدیریت بحران به روش تفسیر موضوعی بوده است که ابتدا گزاره های قرآنی استقامت ومشتقات آن جمع آوری و گزاره ای تکرار حذف سپس مفاهیم صریح، همنشین و غیر همنشین آنان استخراج گردید ودر ادامه آیات منتخب براساس دیدگاه مفسران مشهور از شیعه وسنی همچون؛ المیزان فی تفسیر القرآن طباطبائی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن طبرسی، التبیان فی تفسیر القرآن طوسی، اطیب البیان فی تفسیر القرآن طیب، مفاتیح الغیب فخر رازی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب قمی، تفسیر قمی، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین کاشانی، الکاشف مغنیه، تفسیر نمونه مکارم شیرازی، کشف الاسرار و عدة الابرار میبدی، مخزن العرفان در تفسیر قرآن امین، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن ثعلبی، تفسیر نور الثقلین حویزی، تفسیر قرآن مهر رضایی اصفهانی، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل زمخشری مورد بررسی قرار گرفت ودر مرحله آخر بعد از جمع بندی دیدگاه های مفسران وتحلیل وتفسیر کاربردی آنها سه لایه مهم مدیریتی شامل لایه شناختی، رفتاری وامدادی مطابق جدول زیر تبیین گردید.

گزاره های استقامت در قرآن	مفهوم صریح	مفهوم همنشین	مفهوم غیر همنشین	لایه شناختی	لایه رفتاری	لایه امدادی
إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ(فصلت ۳۰/)	استقاموا			۱. آرامش بخشی به قلب و ذهن ۲. انضباط فکری و دوری از افراط ۳. پایداری کلید حل مشکلات ۴. تقویت روحیه و شکست ناپذیری ذهنی		
كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَهُمْ فَاسْتَقِمْوْا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ بَحِيبُ الْمُتَّقِينَ(هود/۷)	استقاموا			۱. به چالش کشیدن پیش فرض ها ۲. مدیریت ادراک ۳. تغییر الگو ذهن از «واکنش احساسی» (ترس یا خشم از مشرکان) به الگوی «واکنش منطقی»	۱. توقف تکانه اجتناب از حملیه یا فرار ۲. رفتار متقارن(رفتار براساس میزان استقامت طرف مقابل	۱. حمایت درونی(تقوا) ۲. حمایت بیرونی(ارجاع به محبت الهی) ۳. مدیریت استرس

	۳. تثبیت رفتار (استقامت متقابل)					
	۱. انضباط در اجرا و رعایت حدود ۲. ثبات قدم در مسیر هدف				فاستقم	فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ وَ لَا تَطْعُوا... (هود/۱۱۲)
مدیریت معنوی و تثبیت قلبی	تداوم و پیوستگی در عمل				استقاموا	إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (احقاف/۱۳)
		تقویت روحیه و شکست ناپذیری ذهنی	ماوهنوا ماضعفوا مااستکانوا			فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا أَسْتَكُنُوا... (ال عمران/۱۴۶)
	۱. پایداری میدانی و کارجمعی			فأثبتوا		يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِتْنَةً فَأَثَبُوا وَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (انفال/۴۵)
امداد استراتژیک و افزایش توان نامتقارن				تصبروا		بَلَىٰ إِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُواكُمْ مِنْ قَوَّاهِمُ هَذَا يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ (ال عمران/۱۲۵)
قانون مندی غلبه بر مبنای اذن الهی				صابرین		كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةُ كَثِيرَةٍ يَأْذِنُ اللَّهُ وَاللَّهُ الصَّابِرِينَ (بقره/۲۴۹)
تقویت اراده و مرعوب سازی کانون بحران				فثبتوا		إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ

						فَاضِرُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَأَضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ (انفال/۱۲)
--	--	--	--	--	--	--

۲.۲. مفهوم استقامت

«استقامت» که از ریشه «ق و م» در باب استفعال مشتق شده، در لغت به معنای «اعتدال و پایداری» است (ابن منظور، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۴۹۸). مفسران با تلفیق معنای «قیام» و ویژگی «طلب» که در این باب نهفته است، تبیین‌های ژرفی از این مفهوم ارائه داده‌اند؛ بدین معنا که استقامت هم شامل «ثبات و استمرار در عمل به کتاب خدا، سنت پیامبر (ص) و احکام عقلانی» است (مغنیه، بی تا، ص ۳۰۱) و هم به معنای «طلب قوام و خواستن فعلیت یافتن کمال در امور» تلقی می‌شود، چنان که فرمان «فاستقم» در قرآن، بر همین «طلب فعلیت» دلالت دارد (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۱، ص ۳۲۱). در نگاهی جامع‌تر، حقیقت استقامت در «وفای کامل به تمامی حقوق و ملازم بودن بر صراط مستقیم» تجلی می‌یابد؛ به گونه‌ای که «اعتدال و حد وسط» در تمامی افکار، گفتار و رفتارهای انسان حاکم گردد (امین، ۱۳۶۱، ج ۶، ص ۳۲۰). به دلیل همین صعوبت حرکت در مراتب کمال است که پیامبر اکرم (ص) فرمودند سوره هود مرا پیر کرد (همان). علامه طباطبایی نیز این مفهوم را نوعی «استدعای ظهور تمام آثار و منافع یک چیز» می‌داند؛ به این معنا که انسان از نفس خود بخواهد چنان در کاری قیام کند که آن امر به «کمال و تمامیت» رسیده و هیچ‌گونه نقص و فسادى در آن راه نیابد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۱۶۱). در نهایت، استقامت به معنای «پایبندی تام و عمل دقیق به شریعت الهی» تبیین شده است، به گونه‌ای که کمترین انحرافی از مسیر حق صورت نگیرد (ابن عاشور، بی تا، ج ۱۱، ص ۳۴۰).

۲.۳. مدیریت بحران

بحران در لغت حالتی از سرگشتگی میان بهتر یا بدتر شدن اوضاع، آشفتگی، سردرگمی، اضطراب و آشوب است؛ در واقع بحران یک نقطه عطف و زمان نزدیک شدن به خطر، سختی و پریشان‌حالی است که در شدیدترین مرحله سختی و رنج کشیدن تجلی می‌یابد (بشیر، ۱۳۸۷: ۵۱-۵۵).

در اصطلاح علیرغم گستردگی مطالعات در دهه‌های اخیر، مفهوم بحران به دلیل پیوند با پدیده‌هایی چون ستیز و فروپاشی نظم، کماکان با پیچیدگی تعریفی روبه‌رو است (حسینی، ۱۳۸۴، ص ۱۱-۱۲). از منظر زبان‌شناختی، بحران مدلولی است که در بسترهای گفتمانی گوناگون مصادیق متفاوتی می‌یابد (تاجیک، ۱۳۷۹، ص ۴۷). در طبقه‌بندی هرمن (۱۹۶۳: ۶۲)، ویژگی‌های بنیادین بحران شامل غافلگیری، تهدیدزایی و محدودیت زمان واکنش است که در

چهار رویکرد دسته‌بندی می‌شود: نخست، رویکرد سیستمی که بحران را اختلالی در پایداری سیستم می‌داند که بقای آن را به مخاطره می‌اندازد (کاظمی، ۱۳۶۶، ص ۱۴؛ پرو، ۱۹۸۴، ص ۳۳). دوم، رویکرد ارگانیک که بحران را نقطه عطف و مرحله‌ای گذرا برای بازتعریف جامعه تلقی می‌کند (رابرتز، ۱۹۸۸، ص ۴؛ پای، ۱۳۸۰، ص ۴۶۳؛ رابینسون، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۴۵). سوم، رویکرد علی که بحران را ناشی از ناکارآمدی ساختاری و ناتوانی در اداره امور می‌بیند (اسماعیلی، ۱۳۸۸، ص ۱۴). چهارم، رویکرد فرآیندی که بحران را انتهای طیف تعارض و شرایطی می‌داند که در آن هنجارهای مرسوم کارایی ندارند (کاظمی، ۱۳۶۶، ص ۱۳؛ باقری، ۱۳۸۵: ۳؛ بلرت، ۱۹۹۸، ص ۴۷۴). در نهایت، نگاه نوین مدیریتی با تبیین بحران به مثابه ترکیبی از خطر و فرصت، آن را عرصه‌ای برای تدبیر خردمندانه و پله‌ای برای صعود می‌داند که مستلزم اتخاذ رویکردی فعال است (حسینی، ۱۳۸۴، ص ۱۳؛ راشد ارباطی، ۱۳۸۷، ص ۳۷).

از میان رویکردهای مطرح شده، «رویکرد فرصت‌محور» (حسینی، ۱۳۸۴، ص ۱۳؛ راشد ارباطی، ۱۳۸۷، ص ۳۷) و «رویکرد ارگانیک و تحولی» (پای، ۱۳۸۰، ص ۴۶۳) بیشترین تناسب را با موضوع تفسیر آیات استقامت و نقش آن در مدیریت بحران دارند؛ زیرا رویکرد فرصت‌محور با تبیین بحران به مثابه ترکیبی از «خطر و فرصت»، استقامت را از حالتی منفعلانه به یک «تدبیر خردمندانه» و استراتژی فعال برای تبدیل تهدید به پیشرفت پیوند می‌دهد که با جوهره آیات استقامت در مواجهه با شرایط خاص کاملاً همسو است. همچنین رویکرد ارگانیک که بحران را یک «نقطه عطف» برای بازتعریف هویت و تحول جامعه می‌داند، با کارکرد غایی آیات استقامت در تثبیت پایمردی مؤمنان برای عبور از تنگناهای تاریخی و نیل به تکامل فردی و اجتماعی قرابت علمی دقیقی دارد.

۲.۴. مفهوم صبر

واژه «صبر» در لغت به معنای «خویشتن داری، حبس و در تنگنا و محدودیت قرار دادن» تبیین شده است (زبیدی، ۱۹۹۴، ۷: ۷۱؛ راغب اصفهانی، ۱۹۹۲، ۲۷۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۲ق، ۴: ۴۳۸). برخی لغت‌شناسان نیز حقیقت آن را «بازداشتن و حبس نفس از جزع و اظهار بی‌تابی» دانسته‌اند (جوهری، ۱۴۰۴، ۲: ۷۶؛ طریحی، ۱۳۷۵، ۲: ۱۰۰۴). راغب در تبیین کارکردی، صبر را «وادار کردن نفس به انجام مقتضیات عقل و شرع و بازداشتن آن از نواهی» تعریف می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲، ۴۷۴) و مصطفوی آن را «حفظ نفس از اضطراب، اعتراض و شکایت» قلمداد می‌نماید (مصطفوی، ۱۳۸۰، ۶: ۱۸۲). نراقی صبر را «ضد جزع» و به معنای «آرامش نفس در مواجهه با سختی‌ها، مصیبت‌ها و آزمون‌ها» توصیف کرده است؛ به گونه‌ای که فرد از «شادی پیشین» خارج نشده و با جسم و زبان خود رفتاری خلاف طمانینه انجام ندهد (نراقی، ۱۴۲۰، ۳: ۲۸۱). فیض کاشانی نیز این فضیلت را «تحمل دشواری در راه حق» دانسته (فیض

کاشانی، ۱۳۳۶ش، ۲: ۵۵) و خواجه نصیرالدین طوسی بر این باور است که صبر «حبس نفس از جزع» است که مانع از «اضطراب باطنی، شکایت زبانی و حرکات غیر معمول اعضا» در مواجهه با ناملازمات می شود (طوسی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۰) با تکیه بر آراء مذکور می توان صبر را «صفتی نفسانی، بازدارنده و عام» دانست که واجد دو حوزه کلیدی است: نخست آنکه «تمایلات غریزی و نفسانی» را در قلمرو عقل و شرع محدود می کند و دوم آنکه نفس را به «مسئولیت پذیری در برابر فرامین الهی» واداشته و تحمل دشواری پابندی به تکالیف را بر انسان هموار می سازد (پسندیده، ۱۳۸۸، ۱۸۳).

۲.۵. مفهوم ثبت

راغب در مفردات می گوید: ثبات - به فتح ثاء - ضد زوال است. و بنا به گفته او در مورد آیه شریفه به معنای ضد فرار از دشمن است، و این کلمه بحسب معنایش اعم از کلمه صبری است که در جمله "وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ" به آن امر فرموده، چون صبر یک نحوه ثبات خاصی است، و آن عبارت است از ثبات در مقابل مکروه هم به قلب، بدین صورت که دچار ضعف نگردد و جزع و فرغ نکند، و هم به بدن، به اینکه کسالت و سهل انگاری ننموده، و از جا در نرود، و در مواردی که عجله پسندیده نیست شتاب نکند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۲۴)

۳. تحلیل محتوای آیات استقامت

در مواجهه با تلاطم های اساسی و شرایط خاصی که نظم های مستقر را به چالش می کشد، جوامع همواره نیازمند الگویی برای بازسازی تاب آوری و مدیریت آشفتگی ها هستند. بحران در ذات خود با «سرگشتگی» و «اضطراب» پیوند خورده است و در چنین بن بست های ساختاری، تکیه بر ابزارهای مادی صرف، به تنهایی راهگشا نخواهد بود. از این رو، بازگشت به آموزه های وحیانی و واکاوی مفهوم راهبردی «استقامت»، منطقی نو در مدیریت بحران پیش روی ما می گشاید؛ مفهومی که نه به معنای سکون، بلکه به مثابه پویایی آگاهانه برای تبدیل تهدید به فرصت قلمداد می شود. در این بخش از پژوهش، با هدف دستیابی به الگویی قرآنی، به تحلیل محتوای آیات استقامت پرداخته می شود تا تبیین گردد که چگونه پایداری مبتنی بر ایمان، می تواند به عنوان لنگرگاه ثبات در شدیدترین مراحل سختی، فرآیند عبور از بحران را هدایت نماید.

۳.۱. لایه شناختی (مدیریت ذهن)

ذهن از جمله مفاهیمی است که در عین وضوح و روشنی، معنای دقیقی از آن معرفی نشده است. در فلسفه‌های معاصر مغرب‌زمین، از آنجا که «نفس» در معنای کلاسیک خود مورد شک قرار گرفته و «ذهن» جایگزین آن گردیده، مباحث زیادی درباره ذهن وجود دارد؛ که به‌نوعی جایگاه مباحث نفس را اشغال کرده است (شریعتی؛ حسینی شاهرودی، ۱۳۹۲، صص ۷۱-۸۴). بنابر برخی تعاریف، واژه «ذهن»، مجموعه‌ای است با یک فرماندهی واحد که مغز نامیده می‌شود. هوش ذاتی و دانایی آموختنی و آگاهی‌های دریافتی از اندیشه، ادراک، حافظه، احساسات، امیال و تخیل که در مجموع در تشکلی به اسم مغز، انسان را فرماندهی می‌کنند؛ البته منظور عامه مردم از به‌کارگیری واژه ذهن، محاسبات فکری و عقلی است (افشاری، ۱۳۹۵، ص ۱۶). مدیریت ذهن در اختیار گرفتن ذهن هوشیار و ایجاد حالت خودآگاه در انجام اکثر موارد و وادار کردن این «من» ذهنی به انجام اموری است که «خود» واقعی تشخیص می‌دهد (کرمی، ۱۳۹۵، ص ۵۰). در تحلیل لایه شناختی یا همان «مدیریت ذهن»، آیات استقامت بیانگر این است که چگونه در توفان حوادث، آرامش درونی و تمرکز فکری خود را حفظ کرد. این آیات در پی آن هستند که باورهای انسان را بازسازی کنند تا ذهن در برابر هجمه ترس و ناامیدی تسلیم نشود. در واقع، استقامتِ ذهنی به معنای آن است که انسان رشته افکار خود را به قدرت بی‌انتهای الهی گره بزند تا از تزلزل در امان بماند. در ادامه، آیات نورانی این بخش و نگاهی که به مدیریت ذهن دارند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳.۱.۱. آرامش بخشی به قلب و ذهن

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ:» در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست»؛ سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند:] «هان، بیم مدارید و غمین مباشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید». (فصلت/۳۰)

آیه‌ی به تبیین جایگاه مؤمنانی می‌پردازد که در باور خویش از ثبات قدم و استواری خلل‌ناپذیر برخوردارند؛ در این راستا، خداوند هفت مرتبه از پاداش‌ها و مواهب الهی را که برای این گروه مقرر فرموده، برمی‌شمارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش، ج ۴، ص ۳۱۰). از جمله مواهب الهی این است که فرشتگان، مؤمنان را از بیم و اندوه ایمنی می‌بخشند. هراس و ترس، همواره از امر ناگواری است که گمان وقوع آن در آینده می‌رود؛ که در حق مؤمنان، این ترس یا از کیفر الهی است و یا از محرومیت بهشت و فلاح ابدی. اما حزن و اندوه، همواره از امر ناگواری است که پیش‌تر به وقوع پیوسته؛ مانند لغزش‌هایی که از مؤمن سر زده و پیامدهایی اندوهبار به دنبال داشته، و یا کارهای نیکی که به سبب

سهل انگاری از دست رفته و دریغ و تأسف به جای گذارده است. در این میان، فرشتگان با نوید بخشایش گناهان و رفع عذاب، به مؤمنان دلگرمی می دهند که از چنان بیمی و چنین اندوهی در امانند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۵۹۱).

آنچه از ظاهر آیه و واژ هایی همچون «استقاموا» و نیز دیدگاه مفسران و تحلیل مدیریتی می توان برداشت نمود آیه اشاره به آشفته گی های ذهنی دارد که از ابعاد حوزه شناختی است. بحران ها معمولاً دو خطای شناختی ایجاد می کنند: ترس از آینده (خوف) و غم نسبت به گذشته و داشته های از دست رفته (حزن). آیه با القای گزاره «أَلَا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا»، ذهن فرد و جامعه را از قفل شدگی در گذشته و هراس از آینده رها کرده و ظرفیت پردازش اطلاعات را برای تصمیم گیری در «زمان حال» آزاد می کند. تا به جای هدر رفتن انرژی در اضطراب ها، بر پیدا کردن راه حل و حرکت درست تمرکز کند.

۳.۱.۲. انضباط فکری و دوری از افراط

«فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا...»: پس، همان گونه که دستور یافته ای ایستادگی کن، و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند]، و طغیان مکنید که او به آنچه انجام می دهید بیناست. (هود/۱۱۲)

خداوند در این آیه می فرماید: «ایستادگی در راه روشنگری و هدایت، و پایداری در مسیر نبرد و پیکار، از مهمترین وظایف الهی در جهت اجرایی کردن آموزه های قرآن است. این پایداری نباید برای خوشایند دیگران، خودنمایی، مقام پرستی یا دستیابی به دارایی و قدرت باشد؛ بلکه تنها باید بر پایه ی فرمان پروردگار و همان گونه که دستور داده شده است (کما أُمِرْتُ) شکل بگیرد. (نور، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۲۰) این فرمان پایداری تنها به رهروان نخستین باز نمی گردد، بلکه بر پایه سخن وحی (وَمَنْ تَابَ مَعَكَ)، تمامی کسانی که به سوی خدا بازگشته اند نیز در این ایستادگی شریک اند. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۱۳۴). نتیجه ی این استواری، رسیدن به تعادلی دور از تندروی و کندروی است؛ پایداری نابی که در آن هیچ گونه سرکشی و از حد گذشتنی (وَلَا تَطْغَوْا) راه نداشته باشد.»

آیه بادو واژه مهم «فاستقم» و «لا تطغوا» با و مفهوم آن به لایه مدیریتی، «انضباط ذهنی» و جلوگیری از «رفتارهای تکانشی» اشاره دارد. نهی از «طغیان» (وَلَا تَطْغَوْا) در اوج بحران، از خروج ذهن از دایره عقلانیت و اتخاذ تصمیمات افراطی یا خارج از چارچوب (که ناشی از فشار عصبی بحران است) جلوگیری می کند و تمرکز را بر «ماموریت و تکلیف گرایی هوشمندانه» معطوف می سازد.

۳.۱.۳. پایداری کلید حل مشکلات

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»: محققاً کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد. (احقاف/۱۳)

آیه به دو مرحله‌ی اساسی اشاره دارند: نخست «ایمان به توحید» که زیربنای تمام باورهای درست است و سپس «شکیبایی و استقامت» که ریشه‌ی تمامی کارهای نیک محسوب می‌شود. مؤمنان استوار با تکیه بر جایگاه پروردگاری و تدبیر الهی، اعلام می‌کنند که «پروردگار ما خداست»؛ به این معنا که چون خداوند زندگی آنان را تدبیر کرده و ایشان را برای خود پرورش می‌دهد، آنان نیز در راه او پایداری می‌ورزند. (قمی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۲، ص ۱۷۸)

این استقامت، سه بخش مهم یعنی «صبر در برابر گناه»، «پایداری در اجرای فرمان‌های الهی» و «بردباری در برابر سختی‌ها» را در بر می‌گیرد. هرچند برخی مفسران، مقصود از استقامت را ایستادگی بر راه ولایت امیرالمؤمنین (ع) دانسته‌اند و بی‌شک ادامه‌ی خط ایشان از نمونه‌های بارز استقامت در راه خداست، اما مفهوم آیه تنها به این مورد محدود نمی‌شود. (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۸ش، ج ۱۹، ص ۱۰۱)

پاداش این مؤمنان پایدار، بهشتی است که در برابر اعمالشان به آنان عطا می‌شود. همچنین بر پایه‌ی آیات دیگر، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند تا مژده‌ی رهایی از ترس و اندوه را بدهند؛ به گونه‌ای که نه از آینده ترسی داشته باشند و نه بر گذشته غم بخورند، چرا که سرمایه‌ی خود را در راهی نیک فرجام به کار گرفته‌اند. از این رو، آموزه‌ی اصلی این است که با پایداری بر توحید، مشکلات برطرف شده و فرجامی نیک در انتظار خواهد بود. پس باید تدبیر امور را به خدا سپرد و دانست که بهشت جاودان را به بها می‌دهند نه به بهانه، و این پاداش تنها از آن موحدانِ پراستقامت و نیکوکار است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸، ص ۱۳)

براساس محتوای آیه و تبیین مفسران و برداشت مدیریتی، آیه بر «امنیت روانی پایدار» تأکید دارد. چرا که از منظر شناختی، بحران باعث «تزلزل هویت» می‌شود. واژه «ثُمَّ» نشان‌دهنده تداوم ذهنی است؛ یعنی فرد باید میان «باور به مبدأ قدرت» و «عملکرد میدانی» پیوندی ناگسستنی ایجاد کند. این پیوند باعث می‌شود ذهن در برابر هجوم اخبار ناگوار، دچار فروپاشی نشده و از انسجام درونی برخوردار بماند.

۳.۱.۴. تقویت روحیه و شکست‌ناپذیری ذهنی

«...فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا...»: ... و در برابر آنچه در راه خدا بدیشان رسید، سستی نورزیدند و ناتوان نشدند؛ و تسلیم [دشمن] نگردیدند، و خداوند، شکیبایان را دوست دارد. (ال عمران/۱۴۶)

آیه می فرماید: آنان (یاران پیامبران) با کشته شدن پیامبر سست نشدند و از جهاد پس از او ناتوان نگشتند (مَا ضَعُفُوا) و در برابر دشمن سر فرود نیاوردند (مَا اسْتَكَانُوا). این سخن، کنایه‌ای است به آنچه بر سر [برخی مسلمانان] آمد؛ آن زمان که خبر دروغین کشته شدن رسول خدا (ص) پخش شد و آنان دچار سستی و شکست شدند و در جهاد با مشرکان ناتوانی نشان دادند و در پی آن بودند که از «عبدالله بن ابی» (منافق) برای گرفتن امان از پیروان ابوسفیان کمک بخواهند. عبارت «وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا...» اشاره دارد که سخن آنان چیزی نبود جز اعتراف به گناهان و زیاده‌روی‌های خویش، با وجود اینکه انسان‌هایی الهی (ربانی) بودند؛ این کار را برای درهم شکستن نفوس و ناچیز شمردن عملکرد خود انجام دادند. آنان در نیایش خود، طلب آمرزش را بر درخواست استواری در میدان جنگ و پیروزی بر دشمن مقدم داشتند تا درخواستشان از پروردگار، برخاسته از پاکی، طهارت و فروتنی باشد و به اجابت نزدیک‌تر گردد. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۲۴).

براساس محتوا و دیدگاه‌های اشاره شده و تحلیل آنها، آیه به مدیریت «احساس خودکارآمدی» می‌پردازد. بحران معمولاً حس ناتوانی و بن‌بست را در ذهن تقویت می‌کند. نفی «وهن» (سستی اراده)، «ضعف» (ناتوانی جسمی و ابزاری) و «استکانت» (تسلیم روانی)، در واقع یک «بازسازی شناختی» است تا فرد و جامعه، چالش‌ها را نه به عنوان بن‌بست، بلکه به عنوان آزمونی برای ارتقای توانمندی‌های سیستم و جامعه ادراک کند. به بیان دیگر آیه به این مطلب اشاره دارد که بحران نباید در ذهن افراد جامعه به «بن‌بست» ترجمه شود. وقتی ذهن دچار «سستی» (وهن) یا «احساس حقارت و تسلیم» (استکانت) شود، شکست واقعی رخ داده است. مدیریت ذهن بر اساس این آیه یعنی باید باور و اعتقاد داشت، که سختی‌ها و بحران‌ها از جمله جنگ و تهاجم دشمن جزئی از مسیر رشد هستند و نباید ابهت بحران، تصویر توانمندی و نصرت الهی را در ذهن انسان مخدوش کند.

۳.۲. لایه رفتاری

در لایه رفتاری یا «مدیریت عملکرد»، آیات استقامت از مقام «نظر» به مقام «عمل» می‌آیند. در این لایه، پایداری تنها یک باور قلبی نیست، بلکه به شکل «ایستادگی در میدان» و «تداوم فعالیت‌های صحیح» بروز می‌کند. در واقع، استقامت رفتاری یعنی رعایت انضباط و استمرار در کار، حتی زمانی که فشارهای محیطی به اوج خود می‌رسد. در ادامه، آیات مربوط به این حوزه و نقش آن‌ها در مدیریت عملکرد اشاره می‌شود.

۳.۲.۱. انضباط در اجرا و رعایت حدود

«فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا...»: پس، همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن، و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند]، و طغیان مکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (هود/۱۱۲)

فرمان (فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ) بدین معناست که همان گونه که به تو دستور داده شده، در مسیر حق پایداری کن. عبارت (وَمَنْ تَابَ مَعَكَ) نیز تأکید دارد که همراهان تو، یعنی کسانی که از کفر بازگشته و به تو ایمان آورده‌اند، نیز باید در این راه استوار بمانند. در ادامه، نهی (وَلَا تَطْغَوْا) هشدار می‌دهد که از فرمان الهی سرکشی نکنید و با کم و زیاد کردن احکام، از مرزهای پروردگار خارج نشوید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸ ش، ج ۲، ص ۳۸۳).

در تحلیل تفسیری آیه، مفهوم استقامت به عنوان رکن اصلی نظام اعتقادی تبیین شده است که در ابعاد عملی، به معنای ثبات قدم در مسیر اهداف متعالی و تداوم در اجرای تکالیف الهی است. استقامت در اینجا، به معنای تاب‌آوری حداکثری در برابر متغیرهای محیطی و فشارهای بیرونی است؛ به گونه‌ای که شخص یا سازمان، علی‌رغم مواجهه با بحران‌های متوالی و تلاطمات شدید، دچار انحراف از مسیر هدف یا تزلزل در تصمیمات نمی‌گردد. این رویکرد نشان می‌دهد که استقامت قرآنی، زیربنای ایجاد یک ساختار روانی و عملیاتی مستحکم است که در آن، مؤمن مانند یک رکن استوار، در برابر نوسانات محیطی صامد باقی می‌ماند. قرائتی، ۱۳۸۳ ش، ج ۶، ص ۱۴۸). در همین راستا، «قشیری» معتقد است انسان مستقیم کسی است که هرگز از راه حق باز نمی‌گردد تا به سر منزل مقصود برسد (کاشانی، ۱۳۳۶ ش، ج ۴ ص ۴۵۸) و «جرجانی» نیز بر این نکته تأکید می‌کند که نباید در جستجوی کرامت (خارق‌عادت) بود، بلکه باید پایداری و استقامت را طلب کرد. (همان). لذا آنچه از آیه برداشت می‌شود این است که آیه اشاره به هسته مرکزی مدیریت عملکرد در بحران دارد. فرمان «کَمَا أُمِرْتَ» (آن گونه که مأمور شده‌ای) بر استاندارد بودن رفتار تأکید دارد؛ یعنی در اوج بحران نباید از مسیر عقلانی و قانونی خارج شد. بخش «وَلَا تَطْغَوْا» (طغیان نکنید) هشدار می‌دهد که در رفتارهای مدیریتی نباید دچار افراط و تفریط شد. استقامت رفتاری یعنی حرکت دقیق بر روی خط برنامه، بدون آنکه هیاهوی بحران ما را به رفتارهای خارج از ضابطه وادار کند.

۳.۲.۲. ثبات قدم در مسیر هدف

«... وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ...»: و همان گونه که مأموری [بر این دعوت] استقامت کن، و از هواهای نفسانی آنان پیروی مکن. (شوری/۱۵)

فرمان (وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ) یعنی در اجرای دستورات الهی پایداری ورز، از آن‌ها دست نکش و بر طبق آن عمل کن؛ همچنین برخی آن را به معنای استقامت در مسیر تبلیغ رسالت دانسته‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۷ ش، ج ۲۲، ص ۱۱۱).

عبارت (وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ) نیز تأکید دارد که از خواسته‌های گوناگون و آرزوهای باطل آنان پیروی مکن. (کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۸، ص ۲۰۵) در تفسیر «تبیان» آمده است که «ولید بن مغیره» به پیامبر اکرم (ص) پیشنهاد داد که در ازای بخشیدن نیمی از ثروت خود، ایشان از دعوتش بازگردد. همچنین «شیبه بن عتبّه» وعده داد که اگر پیامبر از دین خود برگردد، دخترش را به عقد ایشان درآورد. در پاسخ به این پیشنهادها، حق سبحانه این آیه را نازل فرمود تا پیامبر در تبلیغ توحید استقامت ورزد، بر دین اسلام ثابت قدم بماند و از خواسته‌های باطل آنان تبعیت نکند. (طوسی، بی تا، ج ۹، ص ۱۵۱).

یکی از آسیب‌های عملکردی در بحران، تأثیرپذیری از خواسته‌ها و فشارهای اطرافیان ناآگاه (اهواء) است. این آیه دستور می‌دهد که رهبران و تصمیم‌گیران جامعه، در لایه رفتاری باید استقلال عمل داشته باشد. و دارای عقلانیت در تصمیم‌گیری باشند استقامت در اینجا یعنی عمل به وظیفه کارشناسی و الهی، بدون آنکه خوشایند یا بدآمد دیگران، در روند صحیح اجرای امور خللی ایجاد کند و تحت تأثیر و تسلیم نشدن در برابر فشارهای فرسایشی احزاب و گروه‌های سست ایمان و بی‌ایمان و تهدیدها و فضا‌های رسانه‌ی دشمن در شرایط بحران‌های پیش آمده در جامعه است.

۳.۲.۳. پایداری میدانی و کار جمعی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون با گروهی برخورد می‌کنید پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که رستگار شوید. (انفال/۴۵).

راغب در مفردات می‌گوید: ثبات - به فتح ثاء - ضد زوال است. و بنا به گفته او در مورد آیه شریفه به معنای ضد فرار از دشمن است، و این کلمه بحسب معنایش اعم از کلمه صبری است که در جمله "وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ" به آن امر فرموده، چون صبر یک نحوه ثبات خاصی است، و آن عبارت است از ثبات در مقابل مکروه هم به قلب، بدین صورت که دچار ضعف نگردد و جزع و فرع نکند، و هم به بدن، به اینکه کسالت و سهل‌انگاری ننموده، و از جا در نرود، و در مواردی که عجله پسندیده نیست شتاب نکند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۲۴)

آیه یکی از مهمترین وظایف و دستورات مسلمانان نسبت را جهاد را بیان کرده و می‌فرماید: ایمان، در پایداری رزمندگان در برابر دشمن تأثیر دارد؛ بلکه یکی از نشانه‌های بارز ایمان ثبات قدم در همه‌ی زمینه‌ها و به‌ویژه در پیکار با دشمنان حق است و همه مسلمانان و جامعه ایمانی، مامور به استواری و ثبات قدم در میدان نبرد هستند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ش، ج ۸، ص ۹۳). علاوه بر این، فضای جبهه و نبرد مسلمانان باید آکنده از ذکر الهی باشد؛ چرا که

هرچه سختی‌ها و مشکلات فزونی یابد، نیاز به یاد پروردگار نیز بیشتر می‌شود و در بحبوحه نبرد، تنها یادی گذرا از خداوند کافی نیست، بلکه باید او را بسیار یاد کرد؛ زیرا در بحران‌های جنگ و حوادث جبهه، اگر یاد خدا مستمر و بسیار نباشد، احتمال انحراف در هدف، عمل و شیوه افزایش می‌یابد. همچنین در جبهه باید یاد خداوند جایگزین دلبستگی به مادیات از جمله زن، فرزند و مال شود؛ چنان‌که امام سجاد (ع) در دعای مرزداران می‌فرماید: «خداوندا! یاد اموال و فرزندان را از دل رزمندگان بزدای و بهشت را در برابر چشمانشان جلوه‌گر ساز». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ش، ج ۷، ص ۱۹۳) بنابراین همان‌طور که اشاره شد واژه «فَأَثْبُتُوا» (پابرجا باشید) جلوه‌ای از مدیریت عملکرد در لحظه برخورد با بحران است. در حالی‌که بحران باعث پراکندگی و فرار نیروها می‌شود، این آیه دستور به تثبیت موقعیت می‌دهد. پایداری رفتاری در اینجا به معنای ترک نکردن سنگر مسئولیت در میدان نبرد نظامی بادشمن خارجی و حفظ انسجام گروهی و حضور میدانی در میدان نبرد با دشمن داخلی و خارجی در سخت‌ترین شرایط است تا شیرازه کار از هم نپاشد.

۳.۲.۴. تداوم و پیوستگی در عمل

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...»: در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست»؛ سپس ایستادگی کردند... (فصلت/۳۰)

راغب می‌گوید: کلمه استقامت در اصل در خصوص طریقی به کار می‌رفته که به خط مستقیم کشیده شده باشد، و در آیه شریفه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» حق را به چنین راهی تشبیه کرده. سپس می‌گوید: و استقامت انسان به این معنی است که همواره ملازم طریقه مستقیم باشد که خدای تعالی در باره چنین انسانهایی فرموده: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» پس مراد از جمله «ثُمَّ اسْتَقَامُوا» این است که ملازم وسط راه باشند، و دچار انحراف نگردند، و بر سخنی که گفته استوار باقی بمانند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۷، ص ۵۹۰). علاوه بر این مطالب، حرف «ثُمَّ» در ادبیات قرآنی نشان‌دهنده فاصله زمانی و تداوم است. از منظر مدیریت عملکرد، بسیاری از فعالیت‌ها در ابتدا خوب شروع می‌شوند اما در میانه راه رها می‌گردند. استقامت به مثابه «پایش و پویش مدام» تلقی می‌شود و استقامت رفتاری یعنی خسته نشدن از تکرار کارهای صحیح. مدیریت بحران تنها یک جرقه لحظه‌ای نیست، بلکه فرآیندی است که نیازمند استمرار در عملکرد تا رسیدن به نتیجه نهایی (تنزل فرشتگان و پیروزی) است. به بیانی دیگر در مدیریت عملکرد، بنابراین آیه تبیین می‌کند که موفقیت در مدیریت بحران، محصول یک اقدام مقطعی نیست، بلکه در گروی پیوستگی رفتاری و تداوم برنامه‌محور تا حصول نتایج ملموس و خروج کامل از وضعیت اضطرار است.

۳.۳. لایه امدادی (مدیریت معنوی)

واکاوی لایه امدادی (مدیریت معنوی) در آیات استقامت، در جلب «تأییدات الهی» و «نزول ملائکه» به عنوان متغیرهای فرامادی در حل بحران. به تبیین «نظام پشتیبانی مابعدالطبیعی» می‌پردازد که در شرایط انسداد ابزارهای مادی، توازن قوا را به نفع جبهه پایداری تغییر می‌دهد. در این عرصه، استقامت نه صرفاً یک کنش انسانی، بلکه «شرط لازم» برای فعال‌سازی مداخلات قدسی و ورود مؤلفه‌های غیبی به فرآیند مدیریت بحران است.

۳.۳.۱. مدیریت متافیزیکی و تثبیت قلبی

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ»: در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست»؛ سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند. (فصلت/۳۰).

آیه به ذکر یکی از مواهب الهی به مومنین مقاوم و ثابت قدم در میدان مبارزه با باطل می‌پردازد و می‌فرماید: به یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس استقامت کردند فرشتگان الهی بر آنها نازل می‌شوند و این نزول فرشتگان هم در دنیا است همچون؛ شرایط سخت و دشوار و هنگام پاکی نفوس (قمی مشهدی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۱، ص ۴۴۶؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵، ص ۴۹) و هم در آخرت مثل قبر، بعث و... (طوسی، بی تا، ج ۹، ص ۱۲۳؛ قمی، ۱۳۸۸ق، ج ۴، ص ۲۹۸؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۲۹۳).

برداشت از آیه این است که گزاره «تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ» بر نوعی «حمایت اطلاعاتی-اراده‌ای» از سوی عالم غیب دلالت دارد. از منظر مدیریت معنوی، نزول ملائکه نه یک واقعه‌ی صرفاً انتزاعی، بلکه به معنای ایجاد آرامش به ساختار روانی جامعه مومنین ثابت قدم و دارای استقامت است. این «امداد شناختی» موجب می‌شود که لرزه‌های ناشی از بحران، در سد استواری فرشتگان مستهلک شده و ظرفیت تصمیم‌گیری در عالی‌ترین سطح اطمینان باقی بماند.

۳.۳.۲. امداد استراتژیک و افزایش توان نامتقارن

«بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ»: آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند، همانگاه پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد. (ال عمران/۱۲۵).

آیه‌ی فوق در مورد جنگ احد است، اما یاری مؤمنان و امدادهای غیبی یکی از سنت‌های پروردگار است که با تغییر زمان، مکان و افراد، عوض نمی‌شود. (رضایی، ۱۳۸۷ش، ج ۳، ص ۲۴۷). صبر در آموزهای دینی، متناسب با هر

جایگاهی به نامی ویژه بازشناخته می شود؛ آنگاه که این صفت در میدان کارزار و مقام جهاد تجلی یابد، حقیقت آن چیزی جز «شجاعت» و «ثبات قدم» نخواهد بود. (نظری، خرقانی، سلطانیه، ۱۴۰۵). این استواری مومنانه بدین معناست که مجاهد فی سبیل الله با قلبی مطمئن و گامی لرزش ناپذیر در طریق حق پای می فشارد تا آن زمان که یا به مقام شهادت دست پیدا کنند یا پرچم فتح و پیروزی را بدست آورند. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۴۱). آیه امداد الهی را مشروط به قید (ان تصبروا) پایداری و صبر در میدان در شرایط بحرانی می داند و اگر صبر و پایداری در میدان اتفاق نیفتد امدادی هم شامل حال مومنان نخواهد شد و به عبارتی فعال سازی لایه امدادی را مشروط به پایداری میدانی می کند. در تحلیل مدیریت معنوی، این پنج هزار فرشته نمادی از نیروهای پشتیبان غیر محسوس هستند که در لحظات «فوران بحران» (من فورهم هذا)، ناترازی قوای مادی را جبران کرده و ضریب اثربخشی اقدامات انسانی را به صورت جهشی ارتقا می دهند.

۳.۳.۳. قانون مندی غلبه بر مبنای اذن الهی

«...كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»: ... گفتند: «بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند، و خداوند با شکیبایان است». (بقره/۲۴۹).

در آیه خبر از مردودی گروه زیادی از بنی اسرائیل می دهد که از صحنه آزمایش نوشیدن آب و تحمل تشنگی، سر بلند بیرون نیامدند. اما این گروه باقیمانده، آزمایش دیگری داشتند. که آزمایش روحی و معنوی بود. وقتی آنان با سپاه انبوه جالوت مواجه شدند، گفتند: ما توانایی مقابله با این سپاه مسلح را نداریم. ولی آنهایی که به روز قیامت ایمان داشتند، گفتند: پیروزی به دست خداست، ای بسا گروه های اندک که به اذن خداوند بر سپاهیان بزرگ پیروز می شوند. (حویزی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۹۰) در این آیه، مفاهیم «اذن الهی» و «معیت»، به مثابه متغیرهای میانجی در معادلات قدرت تبیین شده اند. مدیریت معنوی در اینجا، فرآیند اتصال سیستم به قدرت مطلق ربوبی است که باعث می شود قوانین فیزیکی و برتری های عددی دشمن، در برابر کیفیت ایمان و استقامت رنگ بیازند. معیت حق با صابران، جریانی از پشتیبانی مستمر را در ساختار پایداری ایجاد می کند که به طور فعال، مانع از بروز فرسودگی سازمانی و افت انگیزی در مسیرهای طولانی می شود.

۳.۳.۴. تقویت اراده و مرعوب سازی کانون بحران

«إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلَتْنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ»: هنگامی که پروردگارت به فرشتگان وحی می کرد که من با شما هستم، پس کسانی را که

ایمان آورده‌اند ثابت قدم بدارید. به زودی در دل کافران وحشت خواهیم افکند. پس، فراز گردنها را بزنید، و همه سرانگشتانشان را قلم کنید. (انفال/۱۲)

براساس آیه یکی از نعمت‌های پروردگار بر مجاهدان ثابت قدم واستوار جنگ بدر، ترس و وحشتی بود که در دل دشمنان افکند و روحیه آنها را سخت متزلزل ساخت اشاره می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ش، ج ۲، ص ۱۳۸). آنچه از آیه برداشت می‌شود این است که این آیه از یک «مهندسی معنوی دوطرفه» پرده برمی‌دارد: از یک سو «تثبیت قلوب مؤمنان» و از سوی دیگر «القای رعب در دل دشمنان». و به نوعی به مدیریت امدادی اشاره دارد. یعنی ایجاد یک حصار امن روانی برای نیروهای خودی که ثمره‌ی آن، قاطعیت در عمل و عدم تزلزل در گام‌هاست. این سازوکار مابعدالطبیعی، انسجام درونی را حفظ و کانون تولید خطر را از درون دچار فروپاشی اراده می‌کند.

۴. نتیجه‌گیری

باتفسیر کاربردی آیات استقامت در قرآن می‌توان نتیجه گرفت که مدیریت بحران در این منظومه، در سه لایه مکمل شناختی، عملکردی و معنوی سازمان‌یافته است. در لایه شناختی (مدیریت ذهن)، استقامت با تبدیل باور به توحید به امنیت روانی، ذهن را از بن‌بست حزن گذشته و خوف آینده رها کرده و ظرفیت تصمیم‌گیری در زمان حال را آزاد می‌سازد. کاربرد تفسیری مفاهیمی چون استقام و لا تطغوا، در واقع تبیین یک انضباط ذهنی است که مانع از رفتارهای تکانشی و اتخاذ تصمیمات افراطی ناشی از فشارهای عصبی بحران شده و تمرکز را بر تکلیف‌گرایی هوشمندانه معطوف می‌کند. همچنین، نفی وهن، ضعف و استکانت در قرآن، یک بازسازی شناختی است تا بحران‌ها به جای بن‌بست، به عنوان فرصت رشد ادراک شده و حس خودکارآمدی در فرد احیا گردد. در لایه عملکردی (مدیریت رفتاری)، استقامت از مقام نظر به مقام عمل ارتقا یافته و با به کارگیری دستور کما أمرت، به استانداردسازی رفتار تبدیل می‌شود تا در اوج بحران، انضباط اجرایی جایگزین انحراف از برنامه و تکانشگری گردد. کاربرد تفسیری لا تطغوا و نفی اهواء، راهکاری عملی برای ایجاد استقلال مدیریتی است تا تصمیم‌گیرنده در برابر فشارهای رسانه‌ای و محیطی، بر عقلانیت تکلیفی و مسیر وظیفه‌شناسی استوار بماند. در لحظه برخورد با بحران، فرمان فَاثْبُتُوا به عنوان ابزاری برای تثبیت موقعیت و جلوگیری از پراکندگی نیروها عمل کرده تا انسجام گروهی و حضور میدانی در سخت‌ترین شرایط حفظ شود. همچنین، تکیه بر مفهوم تَمُّ در آیات، مدیریت بحران را از یک واکنش مقطعی به یک پیوستگی رفتاری تبدیل می‌کند تا تداوم در اجرای کارهای صحیح، مانع از رها کردن مسیر در میانه راه شود. در این لایه، استقامت

رفتاری یعنی تبدیل ذکر الهی به تاب‌آوری عملیاتی برای دستیابی به پیروزی. در لایه امدادی (مدیریت معنوی)، استقامت به مثابه شرط فعال‌ساز برای ورود متغیرهای غیبی و تأییدات الهی است که در شرایط انسداد ابزارهای مادی، توازن قوا را به نفع جبهه پایداری تغییر می‌دهد. کاربرد تفسیری تنزل الملائکه و امداد نظامند، یک حمایت اطلاعاتی - اراده‌ای است که با ایجاد آرامش، لرزه‌های بحران را مستهلک کرده و ضریب اثربخشی اقدامات انسانی را به صورت جهشی ارتقا می‌دهد. این لایه با تکیه بر اذن الهی و معیت حق، معادلات قدرت را از برتری عددی به کیفیت ایمان تغییر داده و از طریق مهندسی معنوی دوطرفه، هم‌زمان با تثبیت قلوب مؤمنان، کانون تولید خطر (دشمن) را دچار فروپاشی اراده و وحشت می‌کند. مدیریت امدادی در واقع ایجاد یک حصار امن روانی است که قاطعیت در عمل را تضمین کرده و مانع از فرسودگی سازمانی در مسیرهای طولانی می‌گردد.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، (۱۴۲۰ق)، التحریر والتنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۲ق)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
۳. اسماعیلی، حمیدرضا، (۱۳۸۸)، مبانی مدیریت بحران و نظم اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۴. افجه‌ای، سید علی‌اکبر، (۱۳۸۵)، مبانی فلسفی و تئوری‌های رهبری و مدیریت اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۵. امین، نصرت‌بیگم، (۱۳۶۱)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان.
۶. باقری، مصطفی، (۱۳۸۵)، رویکردهای نوین در مدیریت بحران، تهران، انتشارات دانشگاه دفاع ملی.
۷. بشیر، حسن، (۱۳۸۷)، مدیریت بحران و رسانه‌ها، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۸. بلرت، پیتر، (۱۹۹۸)، مدیریت استراتژیک و تعارضات سازمانی، ترجمه محمدرضا احمدی، تهران، نشر نی.
۹. پسندیده، عباس (۱۳۸۸). رضایتمندی از زندگی. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث.
۱۰. پای، لوسیان، (۱۳۸۰)، بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه‌سروی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. پرو، چارلز، (۱۹۸۴)، حوادث عادی: زندگی با فناوری‌های پرخطر، ترجمه علی اصغری، تهران، نشر مرکز.
۱۲. تاجیک، محمدرضا، (۱۳۷۹)، مدیریت بحران: نقدی بر مدیریت بحران در ایران، تهران، فرهنگ گفتمان.

۱۳. ثعلبی نیشابوری، احمد بن محمد، (۱۴۲۲ق)، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۱۴. حسینی، سید شمس الدین، (۱۳۸۴)، مدیریت بحران و برنامه‌ریزی استراتژیک، تهران، انتشارات سروش.

۱۵. حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۳۷۳)، تفسیر نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان.

۱۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: دار العلم للملایین.

۱۷. رابرتز، آدام، (۱۹۸۸)، مقاومت مدنی در سیاست بین‌الملل، ترجمه احمد فقیهی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۸. راینسون، جیمز، (۱۳۷۵)، دایره‌المعارف علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان.

۱۹. راشد ارباطی، هادی، (۱۳۸۷)، مدیریت بحران با رویکرد پیشگیرانه، تهران، انتشارات ارتش جمهوری اسلامی ایران.

۲۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۷)، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

۲۱. رضا زاده، حمید رضا، (۱۳۹۱)، راهنمای عملی مدیریت و کنترل ذهن، تهران، نشر وانیانیا.

۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۹۹۲م). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دار القلم.

۲۳. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی.

۲۴. زبیدی، محمد مرتضی (۱۹۹۴م). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر.

۲۵. شریعتی، فهیمه، حسینی شاهرودی، سید مرتضی، ذهن و تأثیرات بی‌واسطه آن از نظر ملاصدرا، ش ۲ (۱۳۹۲)، ص ۷۴-۸۱.

۲۶. صدر، سیدرضا، (۱۳۷۳)، استقامت، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۲۷. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

۲۹. طوسی، محمد بن حسن، (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۳۰. طوسی، نصیرالدین محمد (۱۴۱۳ق). اوصاف الاشراف. تهران: سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۳۱. طبیب، سید عبدالحسین، (۱۳۷۸)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام.

۳۲. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: کتابفروشی مرتضوی.

۳۳. فخررازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۴. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۵. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، (۱۴۱۱ق)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۳۶. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۸۸ق)، تفسیر القمی، نجف، مکتبه الهدی / قم، دارالکتاب.
۳۷. کاشانی، ملافتح‌الله، (۱۳۳۶)، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۳۸. کاظمی، علی، (۱۴۰۰)، واکاوی مؤلفه‌های تاب‌آوری سازمانی با تأکید بر آموزه‌های قرآن، تهران، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی.
۳۹. کرمی، رامین، (۱۳۹۵)، شناخت ذهن و کنترل آن، تهران، سنجاق.
۴۰. کاظمی، علی‌اصغر، (۱۳۶۶)، مدیریت بحران‌های بین‌المللی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۴۱. مصطفوی، حسن، (۱۳۸۰)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۴۲. مغنیه، محمدجواد، (بی‌تا)، التفسیر الکاشف، بیروت، دارالعلم للملایین.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۴. میبدی، احمد بن محمد، (۱۳۸۸ق)، کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۴۵. نقی‌پورفر، ولی‌الله، (۱۳۸۱)، اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۴۶. نراقی، محمد مهدی (۱۴۲۰ق). جامع السعادات. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴۷. نظری، احسان، خرقانی، حسن، سلطانیه، محمد، (۱۴۰۵)، عوامل، و راهکارهای درمان اختلال اضطراب اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم، آموزه‌های قرآنی، ۲۳ (۴۳)، ۷۹-۱۱۸.
۴۸. هرمن، چارلز، (۱۹۶۳)، بحران در سیاست خارجی، ترجمه حسین ملک، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴۹. یزدانی‌نیا، محمد، (۱۳۹۰)، استقامت و پایداری، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.